

ساختار انگیزه مشارکت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی*

تاریخ دریافت مقاله: 91/11/15 تاریخ پذیرش مقاله: 91/12/8

** حیدر علی هومن
*** مهدیه صالحی
**** شیرین کوشکی
***** افسانه حاتمی کیا
***** بهنوش زینلی زاده
***** مهسا امیربگلو

چکیده

در این پژوهش ساختار انگیزه مشارکت سیاسی دانشجویان بررسی شده است. یک گروه نمونه با حجم 795 نفر (563 دانشجوی زن، 177 دانشجوی مرد و 55 نفر از دانشجویان جنسیت خود را مشخص نکرده‌اند) از طریق نمونه برداری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب و به پرسشنامه انگیزه مشارکت سیاسی پاسخ دادند. پرسشنامه مذکور، شامل 56 سوال بود. اعتبار پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ 0/880 به دست آمد. بررسی روایی سازه از طریق تحلیل مولفه های اصلی نشان داد که 6 عامل استخراج شده و این 6 عامل رویهم 50/47 درصد کل واریانس متغیرها را تبیین می کند. شش عامل شامل: علاقه به امور سیاسی، قبول مسئولیت اجتماعی، تماس با رسانه‌های- گروهی، مشارکت در امور سیاسی، درک و ارزیابی مسائل سیاسی، و اطمینان به امکانات دولتی است. به منظور شناسایی ساختار عاملی مقیاس مشارکت سیاسی و تأیید عاملهای استخراج شده از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. شاخص‌های برازندگی نشان داد که مدل شش عاملی بر اساس اکثر شاخصها فیت است.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، تحلیل مؤلفه اصلی، اعتبار، روایی، تحلیل تاییدی و دانشجوی.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی ساختار انگیزه مشارکت سیاسی دانشجویان و رابطه آن با ویژگیهای شخصیتی است که از معاونت پژوهشی واحد تهران مرکز اعتبار گرفته است.

** دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

Email : haidarali70@yahoo.com

m_ salehi@javctb.ac.ir

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

Email:shirin_kooshki@yahoo.com

**** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

Email:afsanehtamikia@yahoo.com

***** کارشناس ارشد روان سنجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

Email:b.zeinalizade@gmail.com

***** کارشناس ارشد روان سنجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

Email:samda85@gmail.com

***** کارشناس ارشد روان سنجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران (بلاک و بلاک¹، 2006) سیاست در واقع جلوه مدیریت اجتماعی ساختاریافته² تلاشهایی است که افراد از خود نشان می‌دهند تا به‌گونه متفاوت نظامهای ارزشی معینی را به‌پیش برند. در همه کشورها، به‌گونه گسترده برخی نظرات سیاسی وجود دارد که پیامدهای سنگینی برای آن کشورها داشته و سبب شده است تا مشارکتهای سیاسی افراد را کاهش داده یا نوعی بی‌انگیزگی و بی‌احساسی نسبت به آن به وجود آورد.

مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از حضور در پای صندوقهای رأی تا کسب منصب حکومتی است. این بحث که شهروندان در یک جامعه به چه دلیل، چرا و چگونه و با چه ابزاری در سرنوشت گروهی خود دخالت می‌کنند، از زمان دولت شهرهای یونان باستان مورد توجه متفکران نام آوری چون افلاطون و ارسطو بوده است (رایش³، 1383).

مطالعات متعددی در باره انگیزه مشارکت و فعالیتهای سیاسی دانشجویان، چگونگی تغییر و تحول آن در نسلهای مختلف و نیز علل کاهش آن در چند سال گذشته انجام شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که از دو دهه گذشته انگیزه مشارکت سیاسی دانشجویان (به‌ویژه در غرب) کاهش یافته است (بلاک‌هورست⁴، 2002). افزون‌براین، درصد دانشجویان متعهد به امور سیاسی و آنهایی که فعالیتهای تأثیرگذاری در این زمینه انجام می‌دادند نیز رو به کاهش است. براین افراد باید کسانی را نیز اضافه نمود که معتقدند ساختارهای سیاسی نفوذ خود را به عنوان یکی از هدفهای مهم زندگی آنها از دست داده است.

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران این کاهش در انگیزه، علاقه، مشارکت و فعالیتهای سیاسی می‌تواند در آینده به شکل بحرانهای اجتماعی و سیاسی بروز کند و یک نوع بی‌احساسی نسبت به نظامها و ساختارهای سیاسی در جوانان، به‌ویژه دانشجویان، ایجاد کند که نتیجه آن از لحاظ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند ضررهای جبران‌ناپذیری به بدنه قشر فعال جامعه و آینده سیاسی کشور وارد نماید.

نتایج مطالعات مربوط به کاهش علائق، مشارکت و فعالیت دانشجویان در امور سیاسی، بررسی علل یا عوامل اصلی آن را بسیار ضروری ساخته است (کان، کوپر و هالندر⁵، 2001). هرچند یک توافق کلی در این نکته وجود دارد که عدم مشارکت و مداخله‌های سیاسی دانشجویان ناشی از بی‌احساسی و بی‌انگیزگی آنها نسبت به ساختارها و نظامهای سیاسی است. فقدان علاقه آنها نیز کمتر منجر به سکون اخلاقی و بیشتر منتج به درک این نکته شده است که رهبران بزرگسال و مدل‌های اصلی الگوبرداری سیاسی صحنه سیاست را ترک کرده‌اند (کوهن⁶، 1992).

باوجوداین، به اعتقاد بسیاری، نسل کنونی دانشجویان دارای اندیشه‌های نیرومندی است (کوهن، 1992) و تمایل به ایجاد تغییر (کیسر⁷، 2000) و این اعتقاد راسخ را دارد که افراد می‌توانند تغییر ایجاد کنند (لوین و هیرش⁸، 1998). در همین حال، این توافق گسترده نیز وجود دارد که دانشجویان امروز نسبت به فرایندها و فعالیتهای سیاسی بی‌احساس هستند و معتقدند سیاستمداران و مراکز سیاسی از سلامت کافی برخوردار نیستند و تحت تأثیر مسائل

¹ Block & Block

² structured

³ Reisch

⁴ Blackhurst

⁵ Cone, Cooper, & Hollander

⁶ Cohn

⁷ Keiser

⁸ Levine & Hirsch

مادی و علائق شخصی قرار دارند و از این رو، نسبت به شهروندان متوسط احساس مسئولیت نمی‌کنند (بنت⁹، 1997؛ کوهن، 1992، کان و همکاران (2001). این تناقضها و اختلافات آشکار در یافته‌ها، ضرورت مطالعه انگیزه مشارکت سیاسی و عوامل تشکیل دهنده آن را بیشتر از گذشته ساخته است. به رغم علاقه آشکار به ویژگیهای نسل کنونی دانشجویان و نیز سطوح نگرش و مشارکت سیاسی آنها، پژوهشهای اندکی در این باره وجود دارد (بلاک‌هارست، 2002). این امید وجود دارد که پژوهش حاضر نه فقط تصویری از وضعیت کنونی مشارکت سیاسی دانشجویان به دست دهد، بکه نشان دهد که افکار و رفتار آنها تا چه میزان است و چگونه تغییر خواهد کرد.

برپایه مطالب بالا مسأله اساسی پژوهش حاضر این است که تعیین شود انگیزه مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی در دانشجویان از چه مؤلفه‌ها یا عواملی تشکیل شده، بنابراین موضوع این پژوهش بررسی ویژگیهای روان‌سنجی پرسشنامه انگیزه مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران است. به طور خلاصه اهداف این پژوهش را می‌توان به شرح زیر بیان داشت:

تعیین ساختار عاملی انگیزه مشارکت سیاسی دانشجویان.

تعیین نوع و جهت رابطه بین ویژگیهای شخصیتی و انگیزه مشارکت سیاسی در دانشجویان

مشخص ساختن زمینه و جهت‌گیری سیاسی در دانشجویان

ارزیابی و تعیین میزان انگیزه مشارکت سیاسی در دانشجویان.

فراهم آوردن زمینه مناسب برای مدیران و کارشناسان فرهنگی دانشگاه به منظور شناخت زمینه‌های مشارکت و فعالیت‌های سیاسی دانشجویان.

فراهم آوردن زمینه و اطلاعات لازم برای تشکلهای و کانونهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دانشگاهها به منظور پیش‌بینی زمینه مشارکت و فعالیت سیاسی دانشجویان.

فراهم آوردن زمینه و ابزار مناسب برای پژوهشگران و کارشناسان به منظور تحقیقات در زمینه‌های علمی سیاسی و روان‌شناسی.

فراهم آوردن زمینه مناسب برای مقایسه دوره‌ای میزان و جهت‌گیری انگیزه مشارکت‌های سیاسی در دانشجویان و به منظور ارائه راهکارهای عملی برای افزایش و ارتقای سطح مشارکت سیاسی دانشجویان.

ایجاد زمینه‌های عملی و نیز برنامه‌ریزی برای کارشناسان و پژوهشگران به منظور ارائه تبلیغات و دوره‌های آموزشی و متناسب با ساختار شخصیتی دانشجویان.

روش

جامعه آماری این پژوهش را همه دانشجویان دختر و پسر (مقاطع مختلف کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) مناطق 8 دانشگاه آزاد اسلامی در بر گرفت. با توجه به این که موضوع پژوهش استاندارد ساختن پرسشنامه انگیزه مشارکت سیاسی است، بنابراین، لازم است، حجم نمونه زیاد باشد تا بتوان تحلیل عاملی لازم را انجام داد. بنابراین از جامعه مورد نظر بر اساس روش‌های رایج برای استاندارد ساختن آزمون‌ها یک گروه نمونه با حجم 795 نفر از طریق نمونه برداری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شد که از این گروه نمونه 563 نفر (70/8 درصد) زن و 177 نفر مرد (22/3 درصد) و 55 نفر از دانشجویان (6/9 درصد) جنسیت خود را مشخص نکرده‌اند. از لحاظ میزان تحصیلات، 15/8 درصد دارای تحصیلات کاردانی، 47/2 درصد دارای تحصیلات کارشناسی 31/3

⁹. Bennett

درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و 5/7 درصد آنان دارای تحصیلات دکتری هستند.

ابزار این پژوهش یک پرسشنامه خودگزارش دهی است که عوامل، میزان و چگونگی انگیزه مشارکت سیاسی دانشجویان را اندازه گیری می کند. این پرسشنامه بر مبنای ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور و نیز استفاده از مقیاسهای معتبری مانند پرسشنامه مشارکت سیاسی بزرگسالان و فعالیت دانشجویان¹⁰ و برجستگی (بارز بودن) سیاسی¹¹ (استوارت و هیلی¹²، 1989) و مانند آنها ساخته شده است تا جنبه های مختلف انگیزه مشارکت سیاسی دانشجویان، مانند جهت گیری جمعی، احساس اشتراک سیاسی، کارآمدی سیاسی درونی، مسئولیت اجتماعی، رضایت از قدرت، ارزیابی نظام سیاسی و ... را اندازه گیری کند.

بخش های عمده پرسشنامه از پرسشنامه ای که در سال 1966 توسط فرانسیس و ویلهویت و گوئینز¹³ و اجرا شده و در سال 1976 توسط ادوارد شیری¹⁴ به منظور اندازه گیری تغییراتی که در مشارکت سیاسی در طول زمان روی داده بود تهیه گردیده است. شوالتر¹⁵ نیز همین پرسشنامه را ضمن تجدید نظر کلی در سال 2001 در دانشجویان دانشگاه کارولینای شمالی و نیز در کارهای پژوهشی دانشمندان علوم سیاسی همان دانشگاه درباره مشارکت سیاسی دانشجویان آمریکائی آفریقائی تبار به کار برده است. این پژوهشگران به گونه کلی، دست کم چهار ویژگی که افراد دارای انگیزه مشارکت سیاسی بالا را از افراد با انگیزه مشارکت سیاسی پایین متمایز می کند در پرسشنامه مورد مطالعه خود گنجانده بودند. پرسشنامه این پژوهش با ترکیبی از مواد این پرسشنامه ها و بر مبنای دانش نظری و تجربی موجود درباره انگیزه مشارکت سیاسی و با بررسی بیشتر پژوهشهای مربوط به آن تهیه شد.

البته برخی از مواد پرسشنامه ها حذف و برای تلاش در این جهت که مطالعه مدرنیزه شود برخی دیگر به آن اضافه شد. برای مثال این نیاز احساس شد که کاربرد روشهای کامپیوتری (مانند پست الکترونیکی، وغیره) و نیز پرسشهای مربوط به ارتباطات در پرسشنامه گنجانیده شود. در مجموع یک پرسشنامه 63 ماده ای به عنوان ابزار پژوهش به کار گرفته شد تا از این طریق هم اعتبار تست و هم روائی آن افزایش یابد به دنبال هر یک از مواد پرسشنامه چهار گزینه داده شده است. به گزینه های بخش یکم که شامل 20 ماده است بر حسب میزان موافقت پاسخ دهنده در مقیاس طیف لیکرت 4 درجه ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم، نمره های 4 تا 1 تعلق می گیرد. به گزینه های بخش دوم که شامل 36 ماده است بر حسب میزان اعتقاد پاسخ دهنده در مقیاس طیف لیکرت 4 درجه ای از خیلی کم تا خیلی زیاد نمره های 4 تا 1 تعلق می گیرد. هفت پرسش آخر پرسشنامه که به منظور بررسی روائی پرسشنامه تهیه شده، دارای مواد دو ارزشی (بلی، خیر) است. نمره های بالای این مقیاس نشان دهنده وجود انگیزه مشارکت سیاسی بالا و نمره های پایین آن بیانگر وجود انگیزه مشارکت سیاسی پایین است. این پژوهش امیدوار است که از طریق پرسیدن انواع گوناگون پرسشها درباره جنبه های چندگانه مشارکت سیاسی بتواند تصویر کاملتری از پدیده مشارکت سیاسی به دست آورد.

به منظور اجرای طرح و گردآوری داده ها نمونه ای بالغ بر 795 نفر انتخاب شد. اجرای مقیاس توسط محقق صورت گرفت. آزمون به صورت گروهی و کاغذ مدادی بر روی دانشجویان انجام شد. برای کنترل عوامل بیرونی موثر بر روایی، آزمون به صورت یکسان اجرا شد و تمامی مراحل اجرای آن توسط پژوهشگر صورت گرفت. به

¹⁰. Adult Political Participation & Students activities Questionnaire

¹¹. Political Prominent

¹². Stewart & Healy

¹³. Wilhoit, Frances Goins

¹⁴. Sheary, Edward James

¹⁵. Shwalter paul. H

- آزمودنی ها توضیحات یکسان ارائه و تلاش شد که آزمون در جوی مناسب انجام شود.
- تحلیل داده ها براساس اهداف پژوهش و با استفاده از روش آمار توصیفی و استنباطی به شرح زیر است:
- 1- برای تعیین مشخصه گروه از روش های متداول آمار توصیفی، همانند توزیع فراوانی، شاخص های گرایش به مرکز و شاخص های پراکندگی استفاده شده است.
 - 2- ضریب اعتبار پرسشنامه ها از طریق فرمول کلی ضریب آلفای کرونباخ برآورد شده است.
 - 3- برای بررسی روایی سازه از روش تحلیل مولفه های اصلی¹⁶ (pc) استفاده شده است.
 - 4- برای بررسی ساختار ساده پرسشنامه، عاملهای استخراج شده در مرحله نهائی با استفاده از شیوه آبلیمین دوران داده شده است.
 - 5- به منظور تأیید عوامل استخراج شده، از تحلیل عاملی تأییدی (مدل اندازه گیری بر پایه نرم افزار LISREL) استفاده شده است.

یافته ها

هدف اصلی این پژوهش بررسی اعتبار، روایی و نرم یابی سیاهه انگیزه مشارکت سیاسی است. برای برآورد ضریب اعتبار سیاهه انگیزه مشارکت سیاسی از فرمول کلی ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. سؤالهای 3، 4، 13، 17، 18، و 19 همبستگی ضعیفی با کل مجموعه نشان داد در نتیجه از مجموعه سؤالات حذف شد. پس از حذف این سؤال، اعتبار کل مجموع 50 سؤالی 0/880 به دست آمد، که نشان دهنده این است که آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است.

مهمترین پرسش که باید درباره هر نوع روش سنجش صورت گیرد، این است که آن روش تا چه حد روا است؟ منظور این است که ابزار سنجش چیزی را اندازه بگیرد که برای آن ساخته شده است. در این پژوهش، شواهد مربوط به روایی سازه گردآوری شد.

برای تعیین روایی سازه روش های گوناگونی وجود دارد که یکی از آنها روش تحلیل عاملی است. تحلیل عاملی، اصطلاحی است که برای رواسازی و توسعه ابزارهای روان سنجی، تحلیل داده ها به منظور کشف سازه های جدید و کمک به تدوین تئوری تحلیل محتوا و مواد مصاحبه ها، سبک های مدیریتی، علائق شغلی و ... به کار می رود (هومن، 1390). برای انجام تحلیل عاملی رعایت مفروضه های زیر ضروری است:

1) شاخص کفایت نمونه برداری¹⁷ (KMO) که باید حداقل 0/6 و ترجیحاً بالاتر از آن باشد. اندازه KMO در این پژوهش 0/947 است که اجرای تحلیل عاملی را برای پژوهش قابل توجیه می سازد.

2) برای بررسی این مطلب که ماتریس همبستگی داده ها در جامعه صفر نیست، از آزمون کرویت بارتلت¹⁸ استفاده می شود. هدف از اجرای این آزمون، رد فرضیه صفر مبنی بر درست بودن ماتریس همانی است که عناصر قطری آن «1» و همه عناصر غیر قطری آن در جامعه «0» باشد (هومن، 1390). در پژوهش حاضر مقدار مشخصه-آماری آزمون بارتلت برابر با 03 / 21484 و سطح معناداری آن 0/00 است، بنابراین، می توان ادعا کرد که بین متغیرها در جامعه همبستگی وجود دارد.

3) پژوهشگران به منظور بررسی درباره ماهیت روابط بین متغیرها و نیز دستیابی به تعریف و نامگذاری عاملها

¹⁶. principicual components(pc)

¹⁷. Kaiser Meyer Olkin (KMO)

¹⁸. Bartlett

ضرایب بالاتر از 0/30 و گاه بالاتر از 0/40 را در تعریف عامل‌ها مهم و با معنا دانسته و ضرایب کمتر از این حدود را به عنوان صفر (عامل تصادفی) در نظر گرفته اند (هومن، 1390). در این پژوهش بار عاملی با ضرایب 0/3 به عنوان بار عاملی قابل قبول انتخاب شد، در نتیجه، اگر بار عاملی سوالی روی تمام عوامل چرخش یافته کمتر از 0/3 بود، از آزمون کنار گذاشته شد.

(4) هر یک از عامل‌ها باید دست کم متعلق به سه سوال باشد.

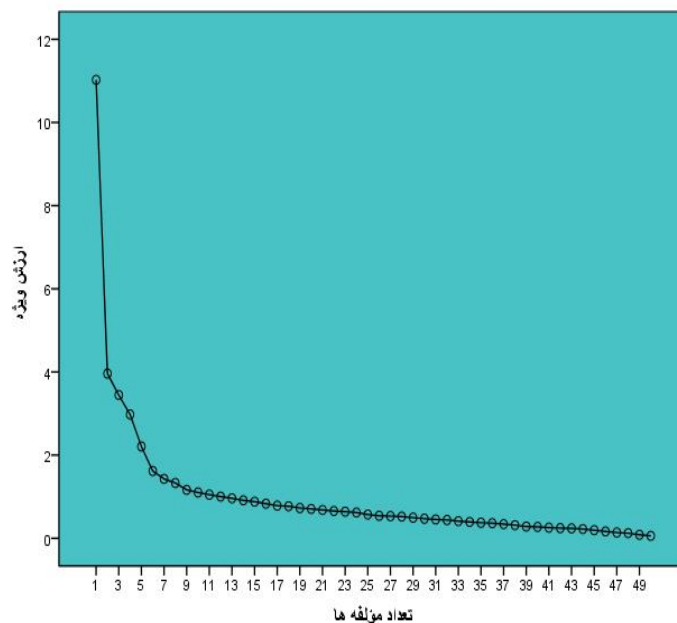
(5) عامل‌ها باید از اعتبار کافی برخوردار باشد.

همانطور که در بالا آمد، مقدار KMO برابر 0/811 و سطح معنادار بودن مشخصه آزمون کرویت بارتلت نیز (0/00) است. بنابراین، بر پایه هر دو ملاک می‌توان نتیجه گرفت که اجرای تحلیل عاملی بر اساس ماتریس همبستگی حاصل در گروه نمونه مورد مطالعه قابل توجیه خواهد بود.

اجرای تحلیل عاملی مواد مقیاس سنجش انگیزه مشارکت سیاسی برای تعیین مقدار عوامل اشباع شده از این مقیاس، سه شاخص عمده را مورد توجه قرار داده است :

(1) ارزش ویژه؛ (2) نسبت واریانس تبیین شده توسط هر عامل؛ (3) نمودار ارزش‌های ویژه که اسکری¹⁹ نامیده می‌شود.

از نمودار Scree که در شکل 1 نمایش داده شده است، دو مطلب استنباط می‌شود: (1) بازوی نمودار در عامل ششم افقی می‌شود که نشان می‌دهد مجموعه پرسشها احتمالاً از شش عامل اشباع می‌شود، (2) سهم عامل یکم در واریانس کل متغیرها چشمگیر و از سهم بقیه عاملها کاملاً متمایز است.



شکل 1 نمودار شیب‌دار ارزش‌های ویژه پرسشنامه سنجش مشارکت سیاسی

با توجه به نمودار شکل 1 و شاخصهایی که در بالا ذکر شد، در نهایت از مجموعه پرسشها تعداد 6 عامل استخراج گردید. در این شرایط، به اندازه 50/47 درصد کل واریانس توسط این شش عامل تبیین می‌شود، عامل یکم با ارزش ویژه 11/02 در حدود 22/05 درصد واریانس کل، معادل 43/69 درصد واریانس مشترک، و در نهایت عامل ششم با ارزش ویژه 1/62 در حدود 3/24 درصد کل واریانس معادل 6/42 درصد واریانس مشترک را توجیه می‌کند.

در اینجا لازم است یادآور شویم که به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران (مانند ثرندایک، 1982) پس از اجرای روش تحلیل عاملی و تعریف خوشه‌های متمایز، تعیین اعتبار (یا هماهنگی درونی) مجموعه سؤالهای بیانگر عاملهای مجزا امری ضروری است. بدین ترتیب، بهترین مجموعه سؤال آن است که ضریب هماهنگی درونی آن دارای بزرگترین مقدار باشد. هرچند روش متداول برای برآورد هماهنگی درونی بین عناصر یک مجموعه که عمومیت بسیار زیاد دارد، استفاده از ضریب آلفای کرونباخ است، اما یکی از محدودیتهای عمده این ضریب آن است که وابسته به تعداد مواد مجموعه مورد نظر است. از دگرسو، چون پاره تست‌ها یا سؤالهای یک مجموعه را نمی‌توان معادل یکدیگر دانست، یعنی نمی‌توان پذیرفت که همه دارای یک مؤلفه حقیقی ثابت است، بنابراین، اعتبار یک مجموعه را نمی‌توان از طریق فرمول‌های کلاسیک هماهنگی درونی برآورد کرد (روزبوم²⁰، 1987). روزبوم برای برآورد اعتبار ترکیب خطی پاره تست‌ها یا سؤالهای نامعادل فرمولی به دست داده است که علاوه بر آنکه دارای محدودیتهای ضریب آلفای کرونباخ نیست، برای برآورد اعتبار عاملها نیز کارساز است.

نتایج حاصل از فرمول روزبوم که در مورد عاملهای شش‌گانه و کل مجموعه مواد پرسشنامه مشارکت سیاسی به کار رفته نشان داده که اعتبار کل پرسشنامه برابر 0/970 و عامل یکم با مقدار 0/931 دارای بیشترین ضریب، و عامل پنجم با مقدار 0/741 دارای کمترین ضریب اعتبار است. مقدار ضریب اعتبار برای هیچ یک از عاملها کمتر از 0/5 نیست، و سیر نزولی آنها نشان‌دهنده اهمیت آنهاست.

پس از تعیین تعداد عوامل مناسب قابل استخراج با توجه به مقدار واریانس تبیین شده و نمودار اسکری برای رسیدن به ساختار ساده، 6 عامل مشخص شده، چرخش داده شد. هدف از این روش، رسیدن به ساختار ساده است. بنابراین، اطلاعات به دست آمده پس از چرخش آبلیمین برای 6 مؤلفه استخراج شده نشان داد که نتایج پس از چندین چرخش آزمایشی به ساختار ساده رسید. ماتریس ساختار یافته در جدول 1 ملاحظه می‌شود.

جدول 1. ماتریس ساختار مواد پرسشنامه سنجش مؤلفه‌های مشارکت سیاسی

عامل						
سؤال	1	2	3	4	5	6
25	0/856					
22	0/855					
26	0/821					
54	0/807					
52	0/774					
21	0/771					
53	0/743					
29	0/692					

²⁰. Roseboom

				0/690	50
				0/646	48
				0/545	34
				0./478	27
			0/643		44
			0/642		47
			0/630		30
			0/591		55
			0/565		45
			0/553		28
			0/551		37
			0/505		23
0/411			0/441	0/428	51
			0/370		56
			-0/819		38
			-0/770		39
			-0/760		40
			-0/733		36
			-0/712		42
			-0/618		43
			-0/578		35
		-0/631			8
		-0/608			20
		-0/597		0/543	16
		-0/546			15
		-0/540		0/474	10
		-0/524			5
		-0/510			14
		-0/467			12
	-0/705				11
	-0/688				6
	0/674				9
	-0/517				2
	-0/422				7
0/799					33

0/773		31
0/685		24
0/545		41
0/529		49
0/506		46
0/384	-0/360	1
0/316		32

از ملاحظه ماتریس ساختار چرخش یافته (جدول 1) موارد زیر استنتاج می شود:

- 1) سؤال 51 دارای پیچیدگی اندک و وزن آن علاوه بر عامل دوم (قبول مسئولیت اجتماعی) با اختلاف اندک متمرکز بر عامل یکم (علاقه به امور سیاسی) و ششم (اطمینان به امکانات دولتی) است.
 - 2) تعداد 2 سؤال (به شماره های 16، 10) نسبتاً پیچیده و وزن آنها علاوه بر عامل چهارم (مشارکت در امور سیاسی) با اختلاف بسیار کم متمرکز بر عامل یکم (علاقه به امور سیاسی) دیگری نیز هست.
 - 3) سؤال 1 اندکی پیچیده و وزن آن علاوه بر عامل ششم (اطمینان به امکانات دولتی) با اختلاف اندک متمرکز بر عامل پنجم (درک و ارزیابی مسائل سیاسی) است.
- بر پایه ماتریس چرخش یافته عاملها، مجموعه سؤالهایی که مشترکاً با یک عامل همبسته بوده تشکیل یک پاره تست می دهد به شرح زیر و به ترتیب بیشترین بار عاملی استخراج و نامگذاری گردید:

- محتوای عامل یکم با 12 سؤال، مربوط به علاقه به امور سیاسی است. ضریب اعتبار این عامل برابر با 0/931 است که 22/05 درصد واریانس کل و 43/69 درصد واریانس مشترک را تبیین می کند.
 - محتوای عامل دوم با 10 سؤال، مربوط به قبول مسئولیت اجتماعی است. ضریب اعتبار این عامل برابر با 0/812 است که 7/92 درصد واریانس کل و 15/69 درصد واریانس مشترک را تبیین می کند.
 - محتوای عامل سوم با 7 سؤال، تماس با رسانه های گروهی را تشکیل داده است. ضریب اعتبار این عامل برابر با 0/880 است که 6/89 درصد واریانس کل و 13/65 درصد واریانس مشترک را تبیین می کند.
 - عامل چهارم با 8 سؤال، مربوط به مشارکت در امور سیاسی است. ضریب اعتبار این عامل برابر با 0/780 است که 5/95 درصد واریانس کل و 11/81 درصد واریانس مشترک را تبیین می کند.
 - عامل پنجم دارای 5 سؤال است که درک و ارزیابی مسائل سیاسی را مشخص می کند. ضریب اعتبار این عامل برابر با 0/741 است که 4/41 درصد واریانس کل و 8/74 درصد واریانس مشترک را تبیین می کند.
 - عامل ششم دارای 8 سؤال است که اطمینان به امکانات دولتی را نشان می دهد. ضریب اعتبار این عامل برابر با 0/797 است که 3/24 درصد واریانس کل و 6/42 درصد واریانس مشترک را تبیین می کند.
- همانطور که پیش تر آمد، مواد پرسشنامه انگیزه مشارکت سیاسی بر پایه مقیاس چهار مقوله ای کاملاً مخالف، نسبتاً مخالف، نسبتاً موافق و کاملاً موافق با نمره های 4 تا 1 درجه بندی شده است. نمره های بالای آن نشان دهنده انگیزه بالا برای مشارکت سیاسی و نمره های پایین آن نشان دهنده انگیزه پایین برای مشارکت سیاسی است.
- از میان روشهای مختلفی که به مطالعه ساختار داخلی یک مجموعه از نشانگرها می پردازد، تحلیل عاملی تأییدی¹ از مفیدترین روشهاست. به گونه کلی تحلیل عاملی تأییدی جنبه ای از روایی سازه¹ آزمون است که با استفاده از

مدل به آزمودن تئوری می‌پردازد و با توجه به تعداد عامل‌های زیربنایی و روابط میان مجموعه نشانگرها، پارامترهای مدل را برآورد می‌کند.

منظور	به
مدلی	توسعه
عوامل	برای
مشارکت	انگیزه
تعیین	سیاسی و
عاملی آن	ساختار
	بر اساس
برآورد	مشخصه های برازندگی
2154/60	مجذورکای χ^2 ¹
1157	درجه آزادی (df)
0/062	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب ¹ (RMSEA)
0/04	ریشه میانگین مجذور پس ماند ¹ (RMR)
0/93	شاخص برازندگی نرمال ¹ (NFI)
0/95	شاخص برازندگی نرمال نشده ¹ (NNFI)
0/95	شاخص برازندگی مقایسه ای ¹ (CFI)
0/91	شاخص برازندگی ¹ (GFI)
0/95	شاخص برازندگی افزایشی ¹ (IFI)

اندازه‌گیری مشارکت سیاسی در دانشجویان، مدل تحلیل عاملی تأییدی با کاربرد بسته نرم افزار لیزرل اجرا شد. از این طریق می‌توان تعیین نمود که آیا مدل 6 عاملی که بر اثر اجرای تحلیل اکتشافی بدست آمده است، تأیید می‌شود یا نه. مدل مورد بررسی با 50 سؤال به عنوان نشانگر و 6 عامل زیربنایی که در نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی به دست آمده بود، برپایه روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی به دست آمد. بسته نرم‌افزار LISREL برای برازندگی مدل، شاخصهای متعددی معرفی می‌کند. در جدول 2 به مهمترین این شاخصها اشاره شده است.

جدول 2 شاخصهای برازش مدل

0/92	شاخص برازندگی تعدیل شده ¹ (AGFI)
2/18	شاخص واریس رویی مورد انتظار ¹ (ECVI)

نخستین شاخص برازندگی مجذورکای است و این فرضیه را می آزماید که مدل مورد نظر با الگوی همپراشی بین متغیرهای مشاهده شده هماهنگ است. مقادیر کوچکتر آن نشان دهنده برازندگی بیشتر است. مقدار مجذورکای (2154/60) از لحاظ آماری معنادار نیست ($p=0/44$). نسبت مجذورکای به درجه آزادی مربوط ($df=1157$) برابر با 1/86 و منطبق با ملاکهای پیشنهادی بایرن²¹ (1989) و بنتلر²² (1993) است که مقدار مناسب را کمتر از 2 می دانند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که این آزمون برازش دقیق مدل را با داده های مشاهده شده تأیید می کند. ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) در این مدل تقریباً صفر (0/062) و حد بالای آن نیز صفر (0/064) است که اگر آن را با 0/08 که توسط بروان و کادک²³ (1993) به عنوان بالاترین حد قابل قبول پیشنهاد شده است، مقایسه کنیم، نتیجه می گیریم که مدل شش عاملی از برازندگی برخوردار است. شاخص دیگر، ریشه میانگین مجذور پس ماند است که در این مدل برابر 0/04 و نسبتاً کوچک است، که این نیز بیانگر خطای ناچیز مدل و برازش قابل قبول آن است.

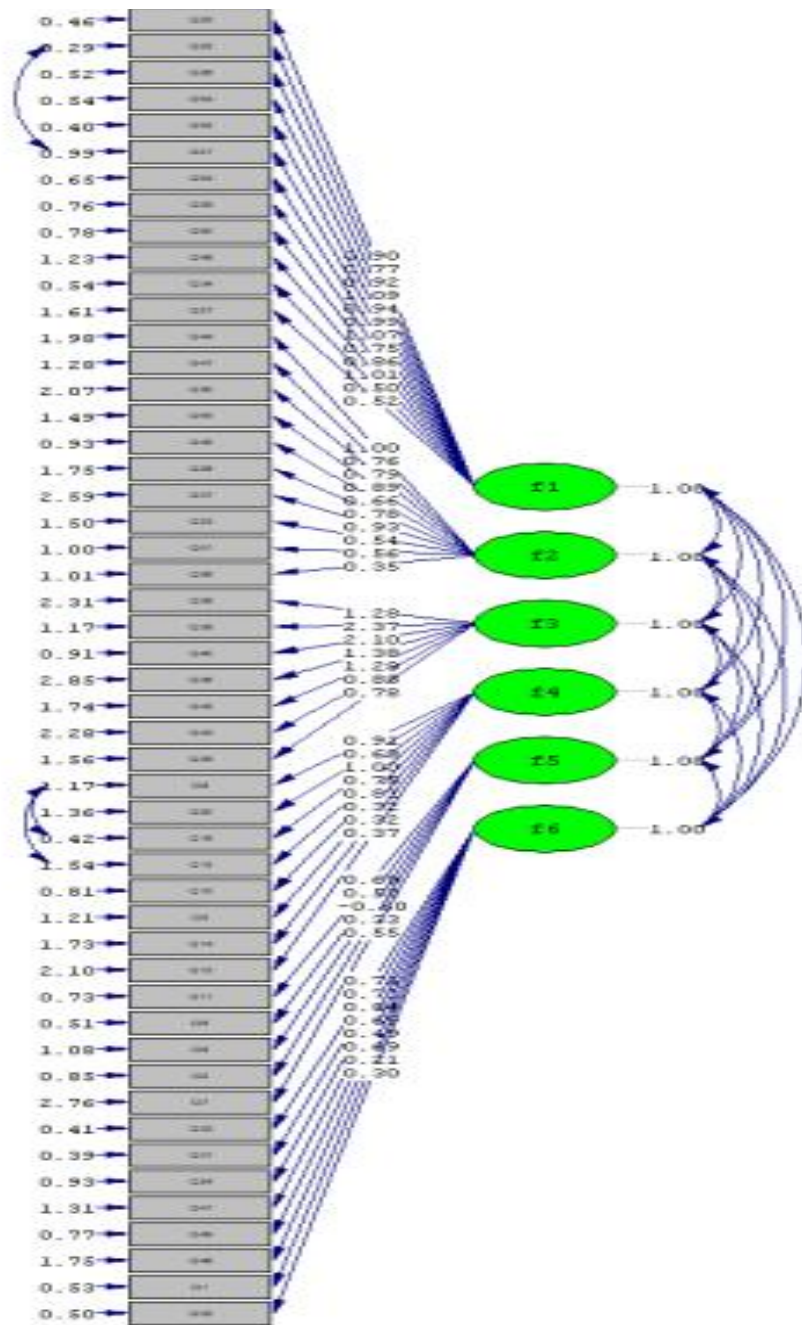
از آنجا که یافتن یک مدل با برازش خوب نمی رساند که آن مدل تنها مدل، یا، مدل بهینه برای داده ها است، شاخص های متعدد دیگری برای برازندگی مدل وجود دارد و برازش باید همزمان از منظر مشخصه های چندگانه برازندگی ارزشیابی شود. با توجه به جدول 7، شاخصهای برازندگی نرمال، برازندگی نرمال نشده، برازندگی مقایسه، برازندگی و برازندگی تعدیل شده در این مدل دارای مقادیر حداقل 0/91 و بالاتر هستند و این نشان دهنده آن است که این مدل از برازندگی کاملی برخوردار است. یکی دیگر از مهمترین شاخصهای نشان دهنده تأیید برازندگی مدل با داده ها، شاخص ECVI است که مقدار آن برای این مدل 2/18 و از مقدار ECVI برای مدل اشباع شده 24 (5/14) کمتر است که شاخص دیگری برای تأیید مدل 6 عاملی است. نمودار مسیر تحلیل عاملی تأییدی پس از آزاد کردن پارامترهای مذکور همراه با ضرایب مسیر استاندارد شده در شکل 2 نشان داده شده است.

²¹. Byrne

²². Bentler

²³. Browne & Cudeck

²⁴. saturated model



شکل 2 نمودار ساختار عاملی و ضرایب استاندارد شده مسیر عاملهای انگیزه مشارکت سیاسی

بحث

این پژوهش با هدف بررسی عملی بودن، اعتبار، روایی و نرم یابی پرسشنامه انگیزه مشارکت سیاسی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران انجام شد. پس از اجرای پرسشنامه انگیزه مشارکت سیاسی بر روی 795 نفر دانشجوی، پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

برای بدست آوردن اعتبار پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن پیش از حذف سؤال 3، 4، 13، 17، 18 و 19 برابر با 0/869 و پس از حذف این سؤالها (به علت داشتن همبستگی ضعیف) بالغ بر 0/880 بوده است. با توجه به محدودیتهای متعدد ضریب آلفای کرونباخ، بعد از اجرای تحلیل عاملی و محاسبه ارزشهای ویژه عاملها، ضریب اعتبار کل مقیاس با استفاده از فرمول روزبوم محاسبه گردید که مقدار آن برابر با 0/970 بوده است.

این ضرایب نشان می‌دهد که می‌توان به نتایج و محاسبات بعدی کاملاً اعتماد داشت. برای بررسی روایی سازه از روش تحلیل مولفه‌های اصلی (PC) استفاده شده است. مقدار کفایت نمونه برداری (KMO) برابر با 0/811 و معنادار بودن مشخصه کرویت بارتلت حاکی از وجود شرایط مناسب جهت اجرای تحلیل عاملی بوده است. برپایه روش تحلیل مولفه‌های اصلی و چرخش به شیوه متمایل باتوجه به ماتریس عاملی، نمودار شیب‌دار، و درصد واریانس تبیین شده، از مجموعه 50 سؤالی تعداد 6 عامل استخراج گردید. این شش عامل بر روی هم 50/47 درصد کل واریانس متغیرها را پوشش می‌دهد. عامل یکم با ارزش ویژه 11/02 در حدود 22/05 درصد واریانس کل، معادل 43/69 درصد واریانس مشترک، و در نهایت عامل ششم با ارزش ویژه 1/62 در حدود 3/24 درصد کل واریانس معادل 6/42 درصد واریانس مشترک را توجیه می‌کند. این ارقام نشان می‌دهد که مجموعه 50 سؤالی سنجش انگیزه مشارکت سیاسی با آنکه در مطالعه حاضر تنها شش عامل را می‌سجد از روایی کافی برخوردار است.

تفسیر ساختار ساده عامل‌ها که در واقع ترتیب تقدم و تأخر مؤلفه‌های انگیزه مشارکت سیاسی با حداقل بار عاملی 0/3 در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی را نشان می‌دهد نتایج زیر را به دست داده است:

- 1 - عامل یکم با 12 سؤال همبستگی قوی دارد که بیانگر **علاقه به امور سیاسی** است.
- 2 - عامل دوم با 10 سؤال همبستگی قوی دارد که بیانگر **قبول مسئولیت اجتماعی** است.
- 3 - عامل سوم با 7 سؤال همبستگی قوی دارد که بیانگر **تماس با رسانه‌های گروهی** است.
- 4 - عامل چهارم با 8 سؤال همبستگی قوی دارد که بیانگر **مشارکت در امور سیاسی** است.
- 5 - عامل پنجم با 5 سؤال همبستگی قوی دارد که بیانگر **درک و ارزیابی مسائل سیاسی** است.
- 6 - عامل ششم با 8 سؤال همبستگی قوی دارد که بیانگر **اطمینان به امکانات دولتی** است.

ماتریس عاملی نشان می‌دهد عامل نخست دارای بیشترین بار عاملی و سهم آن نیز از سایر عامل‌ها بیشتر است. نتایج تحلیل عاملی مشخص کرد، این مقیاس از روایی کافی برخوردار و از 6 عامل اشیاع شده است. سوال‌های 51، 2، و 1 که بار عاملی آن‌ها بر بیش از یک عامل متمرکز بوده است، احتمالاً سوالاتی پیچیده هستند و بهتر است در پژوهش‌های آتی مورد بررسی و تغییر قرار گیرند. به منظور ساده سازی عوامل استخراجی از چرخش متمایل با روش آلبیمین استفاده شد. از یافته‌های این پژوهش که بر پایه طرح نمونه برداری و از آزمون‌های آماری مبتنی بر تحلیل عاملی و روش تحلیل مولفه‌های اصلی است و با بهره مندی از پیشینه پژوهشی در خصوص مبحث مشارکت سیاسی نتایج ذیل حاصل شد.

نخستین عامل انگیزه مشارکت سیاسی برپایه نتایج این پژوهش **علاقه به امور سیاسی** است. این عامل با یافته‌های سید امامی (1386)، همسو است که «علاقه به سیاست» را از جمله عوامل مهم پیش‌بینی کننده مشارکت سیاسی می‌داند. به عقیده وی افرادی که به سیاست علاقه و توجه دارند بیش از دیگران درباره سیاست گفتگو می‌کنند. اخبار و مسائل سیاسی را از رسانه‌های جمعی پیگیری می‌کنند، در تعامل با دیگران می‌کوشند تا نقطه نظرات خود را به آنها بقبولانند، و در انواع زمینه‌هایی که برای مشارکت سیاسی فراهم می‌شود از جمله در شرکت در انتخابات، بیشتر درگیر می‌شوند. گیسر و ریجیک (2008)، نیز در پژوهش خود تحت عنوان «مشارکت سیاسی جوانان»، علاقه سیاسی را عاملی مهم برای شرکت در فعالیتهای سیاسی می‌دانند.

دومین عامل انگیزه مشارکت سیاسی برپایه نتایج این پژوهش، **قبول مسئولیت اجتماعی** است. ملکی (1385)

مشارکت را شامل دو عنصر مسئولیت‌پذیری و عمل آگاهانه و آزادانه می‌داند. ال ایپلی (2005)25، نیز در پژوهشی به این نتیجه دست یافته است که روحیه مذهبی، سبب ایجاد مسئولیت در افراد می‌شود و این احساس مسئولیت موجب فعال شدن افراد در امور اجتماعی و سیاسی می‌شود. به عقیده ال ایپلی احساس مسئولیت یکی از عوامل تأثیرگذار در مشارکت سیاسی است.

سومین عامل انگیزه مشارکت سیاسی تماس با رسانه‌های گروهی است، کانون پژوهش‌های اجتماعی (2004) 26، اظهار می‌دارد که افرادی که با رسانه‌های گروهی در تماس هستند در مقایسه با دیگران تمایل بیشتری به مشارکت در امور سیاسی دارند. مک‌نایری (1999)27، نیز در کتاب خود تحت عنوان «مقدمه‌ای بر ارتباط سیاسی» رسانه‌ها را سومین عنصر در فرآیند ارتباط سیاسی می‌داند.

عامل چهارم یعنی مشارکت در امور سیاسی است که مؤید اعتقاد دالتون (2006) 28 است. به عقیده وی سه نوع مشارکت در امور سیاسی وجود دارد. 1. مشارکت قراردادی و مرسوم، 2. مشارکت غیرقراردادی و غیرمرسوم، 3. مشارکت غیرقانونی که این سه نوع مشارکت از عوامل تشکیل دهنده انگیزه مشارکت سیاسی هستند.

عامل پنجم درک و ارزیابی مسائل سیاسی است. یکی از عواملی که در نظریه مشارکت سیاسی بیان می‌شود حس اثربخشی سیاسی افراد است. ملاحظات نظری و تجربی دو بعد متفاوت برای اثربخشی قائل شدند که یکی از آنها (بعد درونی) همسو با عامل پنجم یعنی درک و ارزیابی مسائل سیاسی است. اثربخشی درونی به احساس کفایت شخصی شهروندان در زمینه درک و شناخت مسائل سیاسی و تأثیری که خود می‌توانند بر فرآیند سیاسی بگذارند مربوط می‌شود، یعنی درکی که فرد نسبت به سیاستمداران و فرآیند سیاسی دارد. شهروندانی که احساس درک قوی از سیاست دارند در مقایسه با افراد دیگر تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی نشان می‌دهند (سید امامی، 1386).

عامل ششم یعنی اطمینان به امکانات دولتی، با نتایج وفادار (1375) هماهنگ است. وی در پژوهش خود بیان داشته که عامل اعتماد به مسئولین باعث شده که مردم و دانشجویان در مسائل کشور بیشتر دخالت کنند. بندورا نیز از مفهوم اعتماد سیاسی برای تبیین نوع و میزان مشارکت سیاسی استفاده می‌کند. او برای اعتماد سیاسی دو بعد در نظر می‌گیرد. اعتماد فرد به قابلیت‌های سیاسی خود و 2) اعتماد به پاسخگویی دولت یا به طور کلی اعتماد به امور سیاسی است. بر اساس این دو بعد تنها افرادی که به قابلیت‌های خود و محیط سیاسی اعتماد دارند دست به مشارکت سیاسی می‌زنند (نقل از کانون پژوهش‌های اجتماعی، 2004)

به منظور تعیین بهترین الگو برای سنجش مؤلفه‌های انگیزه مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی تاییدی نشان می‌دهد که مدل 6 عاملی با بیش از 11 شاخص برازندگی با داده‌های پژوهش و مدل شش عاملی که شرح آنها گذشت مورد تأیید قرار گرفته است.

²⁵. L.Epley

²⁶. Institute for Social Research and Analysis

²⁷. McNairy

²⁸. Dalton

منابع

- ثوندایک، رابرت ال. (1375). روان سنجی کاربردی. ترجمه حیدر علی هومن. چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- رایش، مایکل. (1383). جامعه و سیاست. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- سید امامی، کاووس. (1386). مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش بینی کننده های مشارکت سیاسی.
- پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره 1، بهار 1386.
- ملکی، امیر. (1385). بررسی آمادگی ذهنی دانشجویان مراکز دانشگاه پیام نور استان همدان برای مشارکت سیاسی. پیک نور. (ویژه بیستمین سالگرد دانشگاه پیام نور)، سال ششم، شماره سوم.
- وفادار، مژگان. (1375). دموکراسی برداشت مردم و دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سایت دانشگاه تهران: <http://ut.ac.ir/fa/contents/About Un>
- هومن حیدر علی (1389). شناخت روش علمی در پژوهش رفتاری. تهران: انتشارات سمت.
- هومن حیدر علی (1388). مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل. تهران: انتشارات سمت.
- هومن حیدر علی (1389). اندازه گیری های روانی تربیتی (فن تهیه تست). تهران: نشر پارسا.
- هومن حیدر علی (1390). تحلیل داده های چند متغیری در پژوهش رفتاری. تهران: نشر پارسا.
- هومن حیدر علی و عسگری علی (1384). تحلیل عاملی، دشواریها و تنگناهای آن. مجله روان شناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)، سال پنجم، شماره 2، ص 1-20.

Bennett, S. E. (1997). Why young Americans hate politics, and what we should do about it. Political

Science and Politics, 30, 47-53.

Block, J. and Block, J.H. (2006). Nursery school personality and political orientation two decades

later, Journal of Research in Personality 40, pp. 734-749.

Blackhurst, A. (2002). Comparison of college students' political attitudes and participation rates in

1996 and 2000. Journal of college Student Development, spe/oct, 293-308.

Cohn, J. (1992). A lost political generation? The American Prospect, 9, 30-38.

Cone, R., Cooper, D. D., & Hollander, E. L. (2001). Voting and beyond: Engaging students in our representative democracy. About Campus, 6(1), 2-8.

Dalton, Russell G. (2006). citizenship norms and political participation in America: The good news is the bad news is wrong. The center for democracy and civil society Georgetown university.

Epley, J. L. (2005). Voices of the Faithful: "An Introductory Look At Religion and Political

Participation in Indonesia", Paper Submitted for The Midwest Political Science Association

(MPSA) National Annual Conference, University of Michigan, <http://www>

Gaiser, Wolfgang & Rijike, John (2008), "Political Participation of Youth Young Germans in the

Eropean Context”, Asia Eroup journal, Springer, January, Vol.5.

Institute for Social Research and Analysis (2004). “Political Participation of Young People in Europe:

Development of Indicators for Comparative Research in the European Union” (EUYOUPART).

Vienna, Austria

Keiser, M. (2000). Young adults and civic participation. *National Civic Review*, 89, 33-38.

Levine, A., & Hirsch, D. J. (1991). Undergraduates in transition: A new wave of activism on

American college campus. *Higher Education*, 22, 119-128.

Mc Nair, B (1999):“An introduction to political communication” London, Routledge press.

Structure of Participation Motivation Scale for Islamic Azad University Students

Hooma. H.A (Ph.D)
Salehi, M (Ph.D)
Kooshki, Sh (Ph.D)Hatamikia, A (M.A)
Zeinali Zadeh, B(M.A)
AmirBegloo, M (M.A)

Abstract

This study has been conducted with the purpose of development and standardization of Political Participation Motivation scale for Islamic Azad University students. A fifty six item questionnaire administered over a group of 795 University students (563 females, 177 males and, 55 unidentified) selected randomly, based on proportional stratified random sampling method, from all of the Islamic Azad University students in Tehran. The try-out form of the scale was analyzed several times, via conventional factor analysis, using oblique rotations. The homogeneity reliability of the instrument was 0.880, using Cronbach's alpha coefficient. The principal component analysis of the final scale with oblique rotation showed that theoretical structure of the scale contain six components having loading greater than 0.3.:1)Interest in political affairs, 2) acceptance of social responsibility, 3)being in touch with media, 4) participation in political affair, 5) understanding and evalouatin of political affair, 6) asurance of governmental facility. The exploratory factor analysis revealed that several items loaded on more than one factor. The components had extremely high internal consistencies. Confirmatory factor analysis showed that the items of the scale loaded on their designated factors.

Key Words: principal component analysis, oblique rotation, confirmatory factor analysis, Reliability, validity.